

بررسی الزامات تحقق جوانگرایی دولت در گام دوم انقلاب، (تهدید یا ظرفیت؟)

دانیال فربد^۱

چکیده:

جوان‌گرایی در مدیریت کشوریکی از مسائل و ضروریاتی است که از گذشته دغدغه حکومت‌ها بوده است و کشور ما نیز از این موضوع مستثنا نیست و مورد نیاز دولت، نظام و ملت انقلابی ایران اسلامی است. و در صورتی که این اصلاح به شایستگی انجام شود می‌تواند پویایی و جهش قابل توجهی در جهات مختلف ایجاد نماید که منجر به رشد و توسعه کشور شود. ضرورت سپردن عرصه مدیریت به جوانان را می‌توان رویکردی خوب دانست ولی به معنای سپردن کامل و بی‌قید و شرط مدیریت به جوانان نیست و حتماً باید الزاماتی در نظر گرفته شود تا به علت برخی خطاهای احتمالی به تهدید تبدیل نشود. هدف این پژوهش گردآوری این الزامات (تهدیدها و ظرفیت‌ها) از منابع مختلف است و شاخص‌های جوان‌گرایی از نگاه رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) پرداخته شده است. روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین ترتیب که در گردآوری اطلاعات از کتاب‌های مختلف و مقالات بهره گرفته شده و پس از مطالعه به تحلیل اطلاعات پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

جوان‌گرایی در دولت، جوان‌گرایی در گام دوم انقلاب، چالش‌ها و ظرفیت‌های جوان‌گرایی، الزامات جوان‌گرایی، مفهوم جوان‌گرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، اقتصاد انرژی، دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

گفتمان دولت‌های روی کار آمده در نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا کنون، هیچ‌گاه به طور کامل با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی منطبق نبوده است. ضعف‌های اندیشه‌ای و اجرایی دولت‌های مختلف، به مرور زمان سبب ایجاد خلل در کارآمدی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام شده‌اند. این امر سبب شده تا روی کار آمدن یک دولت پرتوان و مکتبی تحت عنوان «دولت جوان حزب‌اللهی» بیشتر از پیش ضرورت و اهمیت یابد. مسئله‌ای که در سال‌های گذشته همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است و به‌ویژه آنکه رهبر انقلاب نیز در بیانیه گام دوم بر ضرورت جوانگرایی تأکید کرده‌اند و آن را از الزامات گام دوم انقلاب می‌دانند. فلذا در سلسله‌یادداشت‌های «الزامات شکل‌گیری دولت جوان حزب‌اللهی» به بررسی باید‌ها و شاخص‌های دولت مذکور خواهیم پرداخت. با طرح سؤالاتی به دنبال پاسخ آن خواهیم بود: میزان تحقق جوانگرایی برای جمهوری اسلامی اهمیت یافته است؟ آیا راهی غیر از جوانگرایی برای آن مشکلاتی که کشور با آن مواجه شده نمی‌توان یافت؟ چه آسیب‌هایی می‌تواند جوانگرایی را تهدید کند به‌نوعی که ظاهراً جوانگرایی کرده باشیم اما در باطن، علیه ماهیت جوانگرایی عمل کرده باشیم؟

باید توجه داشت منظور رهبر انقلاب و تأکید ایشان بر روی کار آمدن یک دولت جوان به‌منزله پیرزدایی از جامعه نیست، به همین دلیل در تعریفی که از جوان ارائه می‌دهند افراد ۴۰ ساله را جزو رده جوان به حساب می‌آورند، در حالی که در تعاریف علوم اجتماعی ممکن است پایین‌تر از این سن را جوان بدانند.

چیستی دولت جوان حزب‌اللهی

برای روشن‌تر شدن ابعاد مختلف دولتی با نشان انقلاب اسلامی، لازم است تعریفی مشخص از آن ارائه شود. منظور از واژه «جوان» در دولت جوان حزب‌اللهی؛ دولتی برخوردار از روحیه جهادی، با نشاط و پرتلاش و دارای انگیزه جهت حل مشکلات کلان کشور است. چنین دولتی در بزنگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی به جای بهانه‌تراشی برای فرار از مسئولیت، از تمامی ظرفیت‌های موجود کشور و محیط پیرامونی آن برای رفع موانع حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت اهداف مادی و معنوی خود، بهره می‌برد. باید توجه داشت که در منطق سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای جوانگرایی در تقابل با شایسته‌سالاری نیست. نباید با تأکید بر جوانگرایی، شایستگان را حذف کرد و یا امور را به دست جوان کم‌تجربه‌تری سپرد که فاقد شایستگی و تخصص لازم برای پیشبرد امور کلان کشور هستند. بدون شک

نگرش رهبری بر سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت است و باید نسبت به این شاخص دقت لازم را داشت تا نسخه اتخاذ شده به فساد و ناکارآمدی بیشتر منتهی نشود.

در تعریف رکن انقلابی بودن عبارت دولت جوان حزب‌اللهی باید بیان کرد که بر اساس منویات رهبر معظم انقلاب، دولت حزب‌اللهی عبارت است از: «دستگاه مدیریتی تحقق ارزش‌ها و مسئول اجرای قانون اساسی که ارکان مختلف آن معتقد به اصول و مبانی انقلاب اسلامی باشد.» به عبارت دیگر پشتوانه چنین دولتی، اعتقاد به مبانی ناب و قاطع حکومت اسلامی است و دغدغه اصلی این دولت حل مسائل مردم و انقلاب اسلامی بر اساس نظامات برآمده از اندیشه اصیل انقلاب اسلامی است. طبق بیانات آیت‌الله خامنه‌ای اگر دولت از خصیصه «روحیه انقلابی و اسلامی عمیق» بهره‌مند باشد، تمام برنامه‌ها و اهداف آن دولت در حوزه‌های روبنایی جامعه مثل اقتصاد تحقق می‌پذیرد. البته باید در نظر داشت که انقلابی بودن ویژگی اصلی و مرکزی چنین دولتی است و بنا بر اندیشه رهبران سیاسی انقلاب ویژگی‌های دیگری برای دولت یا قوه مجریه شمرده شده که در یادداشت‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

ضرورت روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی

حدود ۱۵ سال از طرح مراحل ۵ گانه تحقق تمدن اسلامی توسط رهبر معظم انقلاب می‌گذرد. این مراحل عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی. طبق بیانات ایشان جمهوری اسلامی ایران در مرحله دولت‌سازی متوقف شده و جامعه‌سازی نیز در گرو ایجاد یک دولت مکتبی است. از بدو طرح این مراحل توسط آیت‌الله خامنه‌ای نخبگان دانشگاهی و حوزوی به بیان نظرات خود پیرامون این فرآیند پرداختند؛ اما در صحنه عمل دولت‌هایی سر کار آمده‌اند که به صورت حداقلی و بعضاً کاریکاتوری موضوعات گفتمان انقلاب اسلامی را نمایندگی کرده‌اند. به نظر می‌رسد رهبر معظم انقلاب نسخه عبور از مرحله دولت‌سازی را روی کار آمدن دولت جوان و حزب‌اللهی می‌دانند. به عبارت بهتر تنها نسخه حل مشکلات اساسی کشور، تشکیل یک دولت با شاخص‌های اصیل گفتمان انقلابی است. به همین جهت است که مطالبه ایشان از جوانان و نخبگان متعهد فراهم کردن زمینه و بستر برای روی کار آمدن چنین دولتی بوده است.

ایجاد یک دولت انقلابی متشکل از کارگزاران جوان و مؤمن نیز نیازمند رشد و بالا رفتن آگاهی سیاسی عموم آحاد جامعه است. روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی علاوه بر این که به ارتقا و پیشرفت همه‌جانبه جامعه منجر خواهد شد؛ برای شکل‌گیری هم محتاج درخواست و مطالبه همگانی است.

به عبارت بهتر بستر سازی برای ایجاد دولتی با مختصات اصیل مکتب انقلاب اسلامی، نه تنها از جنس سیاست‌بازی و لابی‌گری نیست بلکه از جنس گفتمان‌سازی و تبدیل این امر به مطالبه عمومی خواهد

بود. باید توجه کرد که اگر تشکل‌های سیاسی برای روی کار آمدن چنین دولتی مشی سیاست‌کاری و رقابت حزبی و تشکلی را در پیش بگیرند، کمکی به برآمدن دولت جوان و حزب‌اللهی نخواهند کرد. در صورتی که نیروهای سیاسی جامعه از مردم غافل شوند و سیاست نخبگانی و به دور از روشنگری برای جامعه را پیش بگیرند، احتمال ظهور و بروز دولت کاذبی که خودش را به جای دولت جوان انقلابی به نخبگان سیاسی غالب کرده است، وجود دارد.

ضرورت جوانگرایی در گام دوم انقلاب

رویکرد رهبری در زمینه تحولات، چه در تحول کلان اجتماعی مثل انقلاب چه در تحولات ساختاری و درون نظام؛ رویکرد تحول از درون و مبدأ است، یعنی جریانی می‌تواند حامل تحول شود که خودش متحول شده باشد. در بحث انقلاب اسلامی نگاهی که رهبری در خصوص نظریه‌های انقلاب دارند موضوع تحول از درون و نقطه کانونی هر جنبشی در حوزه جنبش اسلامی است. در مطالبه تحولی که امروزه از جامعه انتظار می‌رود، ایشان صراحتاً بحث نوسازی انقلاب اسلامی یا گام جدیدی در خودسازی و تمدن‌سازی را عنوان می‌کنند به طوری که در گام دوم، انقلاب اسلامی را با این ماهیت تعریف می‌کنند. در مورد بیانیه گام دوم باید گفت که همه نهادها مانند قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی، دولت و حتی خود جوانان رسالت‌ها و وظایفی دارند. همگی باید به وظایف خود عمل کنند. آنچه که مهم است، عینیت‌بخشی به این دستورالعمل اجرایی است که توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی صادر شده است. لذا باید به تفکیک به هر کدام از این‌ها پرداخت. وظایف دولت، مجلس، قوه قضائیه را به صورت شاخص‌های کمی و کیفی مشخص کرد و در یک بازه زمانی مشخص به مردم گزارش داد که برای عینیت‌بخشی به این دستورالعمل اجرایی چه کارها کرد.

در گام اول، مهم‌ترین رکن به عنوان نسخه نجات‌بخش این انقلاب در همه عرصه‌ها چه بوده است؟ عامل اصلی، وجود نعمت الهی رهبری و ولایت فقیه بوده. همان جمله معروف حضرت امام^{ره} که می‌فرماید «اگر می‌خواهید مملکت آسیب نبیند، پشتیبان ولایت فقیه باشید.» شاه‌بیت گام دوم است که ملت و امت و دولت، باید تبعیت عملی از ولایت فقیه داشته باشند که یک نعمت عظماء است.

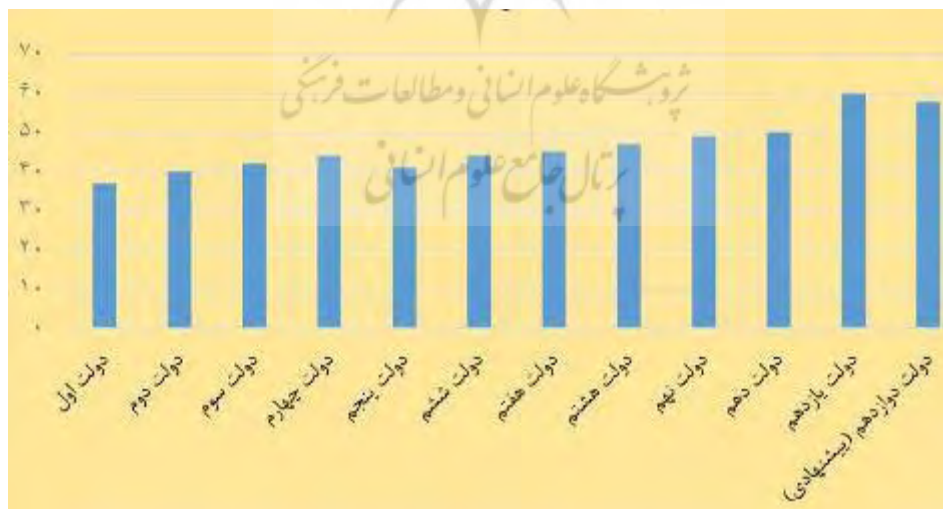
نکته دوم تبعیت، عملی نمودن و داشتن رهروان واقعی و حقیقی است. ما هرکجا که با مدیریت جهادی جلو رفتیم، پیروز شدیم. در انقلاب و جنگ تحمیلی هم به همین صورت عمل کردیم. جوانان انقلابی عامل رشد نظام بوده و خواهند بود. میانگین سنی دولت‌های دوازده‌گانه همواره رو به افزایش بوده است. یکی از لازمه‌های پویایی و چابکی دولت‌ها جوان‌گرایی است. بنابراین لازمه استمرار رشد هر

نظام سیاسی، توجه جدی به جانشین پروری است که افزایش سن کابینه دولت‌های گذشته، نشانگر این است که در این مقوله کم‌کاری کرده‌ایم.

نگاهی بر پیشینه جوانگرایی در دولت‌ها

بررسی ترکیب سنی اعضای کابینه در یازده دولت شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هرم سیاست‌گذاری در قوه مجریه طی ۳ دهه گذشته، پیر و پیرتر شده است. نخستین دولت جمهوری اسلامی با میانگین سنی حدود ۳۷ سال تشکیل شد. ترکیبی که می‌توان آن را جوان‌ترین کابینه پس از انقلاب نامید. انتقال اکثریت اعضای دولت اول به کابینه دوم، باعث افزایش میانگین سنی کابینه دوم به میزان ۳ سال شد. این روند افزایش در دولت‌های سوم و چهارم نیز ادامه داشت، تا اینکه در کابینه نخست اکبر هاشمی‌رفسنجانی، میانگین سنی اعضای کابینه با کاهش ۳ ساله نسبت به کابینه پیشین به ۴۱ سال رسید.

اما پس از دولت نخست سازندگی، میانگین سنی اعضای کابینه به‌طور مستمر افزایش یافت و در دومین دولت محمود احمدی‌نژاد به بیش از ۵۰ سال رسید. حسن روحانی در نخستین دولت خود با انتخاب ترکیبی از وزرای با تجربه، میانگین سنی اعضای کابینه را به‌طور چشمگیری افزایش داد. به این ترتیب میانگین سنی اعضای کابینه یازدهم در مقایسه با کابینه شکل گرفته در سال ۱۳۸۸ حدود ۱۰ سال پیرتر شد. به این ترتیب در یک روند صعودی مستمر، سن سیاست‌گذاران هرم اجرایی کشور در یک بازه زمانی ۳۴ ساله در حدود ۲۷ سال افزایش یافت (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: روند تغییر سن اعضای کابینه

افزایشی که یکی از مهم‌ترین دلایل آن نبود جریان چرخش نخبگان و اولویت دادن با تجربه‌ها به تجربیات جدید است. این در حالی است که کشورهای توسعه یافته، به خصوص در دهه‌های گذشته در میانگین سنی کابینه روندی کاهشی را طی کرده‌اند. برای مثال کابینه فعلی «جاستین ترودو» نخست‌وزیر کانادا با میانگین سنی ۴۹ سال حدود ۲ سال جوان‌تر از نخستین کابینه «استفان هارپر» نخست‌وزیر پیشین است. همچنین میانگین سنی وزیران دولت در استرالیا طی دهه گذشته در یک روند کاهشی نسبتاً مستمر قرار داشته است و دولت «مالکوم تورن‌بول»، با میانگین ۴۹ / ۳ سال حدود ۸ / ۱ سال نسبت به کابینه «کوین رود» جوان‌تر شده است.

بر مبنای آمارهای موجود (نمودار ۲) میانگین سنی وزرای کابینه در انگلستان در سه دهه گذشته روندی کاملاً مخالف روند طی شده در ایران را پشت سر گذاشته و میانگین سنی اعضای کابینه از سال ۱۹۷۶ تا سال ۲۰۱۴ حدود ۷ / ۳ سال کاهش یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که وزیران پیشین در کشورهایی چون استرالیا، کانادا و انگلستان در دهه‌های اخیر، به ندرت بیش از یک دوره عهده‌دار پست وزارت بوده‌اند و اکثر وزیران سابق در این کشورها پس از بازنشستگی از هیات دولت در قالب مشاوران ارشد یا اعضای اتاق‌های فکر به ایفای نقش می‌پردازند.



نمودار ۲: میانگین سنی اعضا کابینه در زمان شروع به کار

یکی از لوازم، وجود بدنه اجرایی است که با انگیزه، طراوت، توانمندی، امید و خستگی ناپذیری بتواند این هدف را محقق کند. تعریفی که رهبری از این حامل دارند «دولت جوان انقلابی» است. این تعبیر را در جواب دانشجویان و گفتگویی که در دیدار رهبری با تشکل‌های دانشجویی انقلابی داشتند و مطالبه و گلایه‌ای که دانشجویان از بخش‌های مختلف اجرایی یا سیاست‌گذاری نظام در حوزه‌های کنونی و ناکارآمدی عمل داشتند؛ گفتند.

مقدماتی که رهبری بر اساس نظریات کلی انقلاب اسلامی دارند شروع شدن کار از درون است و اینکه جوانان نباید منتظر تعارف کردن یا خالی کردن عرصه باشند. ایشان معتقدند هر کسی در هر موقعیتی که هست، اگر در همان موقعیت درست کار کند، هدف‌ها را بلند ببیند و از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی نکند، به صورت خود به خود این فضاها مهیای او می‌شود. این طور نیست که کسی عرصه را برای جوانان خالی کند به همین خاطر است که رهبری در بیانیه گام دوم ۱۱ محور را برای فعالیت‌های دانشجویان در این مسیر ارائه می‌کنند. طبیعتاً با این فراخوان، نقش جوانان در فضایی قرار می‌گیرد که عرصه‌های به‌زمین مانده و مجموعه‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند نیاز به حضور جوانان پیدا می‌کنند. این شرایط خود به خود موجب بروز استعدادها، خلاقیت‌ها و فعال شدن ظرفیت‌های جوانان می‌شود و از سوی دیگر تجربه انباشته شده توسط قشر جوان که مهارت و پختگی لازم را برای تصدی مسئولیت‌ها و به‌دوش گرفتن بارهای انقلاب دارند، امکان‌پذیر می‌سازد. یکی از موضوعاتی که در خصوص ورود جوانان به حوزه‌های مدیریتی و دولتی ممکن است مطرح شود نقش دولت و نهادهاست و این که اصلاً چقدر این موضوع از طرف آنها پذیرفته شده است. جوانگرایی، امری ناگزیر است و این طور نیست که بگوییم دولت‌ها در معرض انتخاب هستند. در شرایطی که ما نیاز به بهره‌وری حداکثری از امکانات داریم؛ این که مجموعه‌ای مایل نباشد این فرصت را در اختیار جوانان قرار دهد به نوعی فرصت‌سوزی و خودخواهی تلقی می‌شود.

کشور در این شرایط به سرعت در حرکت و پیدا کردن راه‌های میانبر و شتابی بیش از آنچه شاهد بودیم در تعقیب اهداف خود است. مطرح شدن کم تجربه بودن جوانان درست است، اما در دوران جوانی ضمن اینکه امکان کسب تجربه وجود دارد؛ وجود نیرو، نشاط، اخلاص، آرمان‌خواهی، انگیزه بالا، توانمندی و امید به تغییرات بزرگ و رسیدن به اهداف، آن قدر نسبت به ناامیدی، کسالت، تنبلی و فرسودگی وزن دارد که طرف وزنه خود را سنگین خواهد کرد. این نکته هم درست است که جوانان گلایه‌مند عدم اجازه و فرصت تجربه‌اندوزی هستند تا طبق آن پذیرش مسئولیت‌ها و فرصت‌های بزرگ را متصدی شوند.

به طور مثال در سیل ابتدای سال ۹۸ هیچ کسی نمی‌تواند وزن گروه‌های جهادی، جریان‌های جوان و بچه‌های به ظاهر کم‌تجربه انقلابی را در موفقیت مدیریت بحران بزرگی مثل سیل لرستان و خوزستان انکار کند، البته در این بین نقش جریان‌های مدیریتی بحران و حوادث را انکار نمی‌کنیم، اما جریانی که بین این مدیریت‌ها فرصت به نتیجه رسیدن اهدافش را به خوبی نشان داد، جریانی بود که کف میدان حاضر شد و با تدبیر و توانمندی خود را نشان داد. همچنین بخش‌هایی در جامعه وجود دارد که فرصت‌ها و تجاری را که باید در اختیار جوانان قرار بگیرد در اختیار آنان قرار می‌دهد.

کشور نشان داده است که در فضاهایی که نیاز به کار وسیع و جدی وجود دارد و آنجا جای مدیریت پشت‌میزی و غیرمیدانی و دستوری نیست؛ جوانان نسل جدید ورود کرده و موفق هم بوده‌اند. جوان به تعبیر رهبری به معنای سن دانشجویی نیست، ایشان در بیانیه گام دوم وقتی به ظرفیت جوان اشاره می‌کنند به جمعیت میانگین سنی تا ۴۰ سال اشاره دارند.

اگر نتوانیم در دانشگاه سیاست‌ورزی و تعمیق سیاسی بدنه جوان جامعه را برداشت کنیم و یاد دهیم، جای دیگری برای این فضا وجود نخواهد داشت، به تعبیری در عالم سیاست در فضای دانشگاهی و توجه به این موضوع یک رویکرد افراطی و تفریطی وجود دارد. در مقاطعی خیلی از جریان‌ها علاقه‌مند بودند که دانشجویان توجهی به آنچه در سپهر سیاسی کشور اتفاق نمی‌افتد نداشته باشند و فقط مجموعه‌ای باشند که توجه ویژه به وضع آموزش و تحصیل دارند. شاید هر وقت جریان‌های نزدیک به جریان‌های لیبرال در فضای مدیریتی قوی‌تر بودند این نگاه پررنگ‌تر شده است. در بخش افراطی قضیه نیز مجموعه‌هایی که وضع و برش خودشان را در فضاهای بحرانی و تند می‌بینند مایلند فضای دانشگاه به شدت سیاست‌زده شود.

خیلی از جریان‌های سیاسی در فضاهای عادی و طبیعی امکان زیست کمتری دارند و ممکن است اگر فضا، فضای منطقی باشد اقبالی به شعارهایشان نشان داده نشود؛ اما موقعی که اتفاق بحرانی و هیجانی رخ دهد، می‌توانند برخی از القائناتشان را منجر به جمع و تبدیل به بدنه رأی کنند. فضاهای دانشگاهی به خاطر بافت جوان، پرشور، با سرعت انتقال و معمولاً به خاطر آرمان‌خواهی معترض به وضعیت موجود، مهیا و محیط کشتی برای جریان‌های بحران‌ساز هستند. جنبه افراطی توجه به امر سیاست در فضای دانشگاهی موجب درگیر کردن دانشگاه، با بحران‌های واقعی ساختگی برای ایجاد یک فضای هیجانی در جامعه می‌شود. امروز دانشگاه با دو جریان افراطی و تفریطی نسبت به امر سیاست مواجه است.

چهارچوب جوانگرایی چیست؟ آیا در شعار جوانگرایی ما در معرض آسیب‌هایی در اجرا هستیم که به جوانگرایی ضربه بزند؟ به‌طور مثال این دغدغه وجود دارد که برخی جریان‌ها بستگان خود را که سن و سال کمتری دارند به‌کار بگیرند و از آن با ایده جوانگرایی دفاع کنند.

آن اتفاقی که رهبر انقلاب براساس نیاز جامعه مطرح کردند موضوع خادمان مردم و کسانی است که بناست جامعه را اداره کنند. براساس تجربه‌هایی که از دوره‌های مختلف دولت در بعد از انقلاب اسلامی داشتیم دوره‌هایی که دارای دو خصوصیت نشاط و سرزندگی بودند و برای تلاش و خدمت از فرسوده نبودن به‌باور عمیق و اصیل و اخلاص در عمل وصل شده‌اند؛ یعنی ترکیب مورد تأیید رهبری «متعهد و انقلابی» بوده‌اند، موفق‌تر عمل کردند، یعنی از یک طرف فردی است که خیانت نمی‌کند، حساسیت نسبت به حوزه خدمتی خود دارد و مسئولیت را براساس تعاریف دینی امانت می‌داند نه طعمه. از طرف دیگر فردی است که انقلابی‌ست، نشاط دارد و در چارچوب‌های رسمی جا نمی‌گیرد و به‌دنبال پیدا کردن قالب‌ها، مرزها، راه‌ها، و مسیرهای نو و میانبر است. تعریف ما از یک فرد انقلابی این است، یعنی انسان تحول‌گرایی که ضمن شناخت درست از هدف، نسبت به آرمان‌ها متعهد باشد، آمادگی دارد قالب‌ها را شکسته و قالب‌های نو ایجاد کند که انقلاب اسلامی نیز یکی از همین نوگرایی‌ها است و دائماً طرحی نو انداخته و به همین دلیل رهبر انقلاب تأکید دارند مفهوم انقلاب یک مفهوم دائمی است نه تاریخی زیرا انقلاب امری نیست که در سال ۵۷ رخ داده باشد و تمام.

جوان متعهد انقلابی باید بار خدمت را به‌دوش بگیرد

«جوان متعهد انقلابی»، جوانی است که ضمن صلاحیت‌های ذاتی، طهارت، پاکدامنی، آلوده نشدن به مظاهر دنیاطلبی، پرجنب‌وجوش بودن، تلاشگری و خستگی‌ناپذیری را در وجود خود دارد. نیاز و اقتضائات جامعه امروز ما نیز دقیقاً داشتن چنین افرادی است. مسیری که تا به حال طی شده، راهی که ناتمام باقی مانده و باید طی شود و تجربه‌هایی که نسبت به دولت‌ها و جریان‌های مختلف مدیریتی کشور در عرصه‌های گذشته داشته‌ایم؛ ما را به این نقطه رسانده که یک جریان پرتوان، تلاشگر و متعهد باید بار خدمت را به‌دوش بگیرد. در مواردی تجربیاتی به دست آوردیم که تجربیات لزوماً زمینه تعهد نبوده و خیانت‌های بزرگی به مردم شده است، حتی شاید به‌ظاهر انسان‌های متعهدی بودند، اما یا کسالت یا ناتوانی در مدیریت‌ها، موجب فرصت‌سوزی موقعیت‌ها شده است.

مسیری که تا به حال طی شده، راهی که ناتمام باقی مانده و باید طی شود و تجربه‌هایی که نسبت به دولت‌ها و جریان‌های مختلف مدیریتی کشور در عرصه‌های گذشته داشته‌ایم؛ ما را به این نقطه رسانده که یک جریان پرتوان، تلاشگر و متعهد باید بار خدمت را به‌دوش بگیرد.

اقتضای نیازهای کشور یعنی عرصه بزرگی که پیش‌رو داریم، تحولات نظام بین‌الملل که به سرعت در حال رخ دادن است و به تعبیر رهبر انقلاب افول تمدن غرب و ایجاد فضای جدید برای یک تمدن جدید که شایستگی خود را نشان دهد؛ همگی بیانگر مطالبه رهبری در خصوص ایجاد تمدن نوین اسلامی است. این تمدن‌پردازی از جانب ایشان، نیازمند بازوهای توانمند و پاهای استواری است که طی مسیر خسته نشود، آن هم در این گردنه‌ها و مسیرهای سخت پیش‌رو که نیاز به توانمندی لازم است. این مجموعه تعاریف، رهبری را به این نقطه رساند که این مطالبه پیش‌برندگی را از جریان جوان متعهد انقلابی داشته باشند.

جامعه با چه شاخص‌هایی باید جوان متعهد انقلابی را بشناسد؟

زمانی که فضایی در جامعه از یک مجموعه پیر، خسته و کم‌تحرک خسته شده است، طبیعی است که نسبت به یک جریان بانشاط اقبال نشان می‌دهد، در این بین ممکن است هر جریانی که می‌خواهد در این فرصت سهمیم شود خود را تحت عنوان یک مجموعه جوان انقلابی جا بزند، در این خصوص شاهد حرکت‌هایی در جامعه نیز هستیم که جریان‌ها یا چهره‌هایی به دنبال نشان دادن شاخص‌های مطلوب خود هستند. در این فضا قطعاً تحقق دو اصل تعهد و انقلابی‌گری به صورت واقعی در هر جریانی که می‌خواهد این آمادگی را اعلام کند باید اثبات شود، در حقیقت واگذاری مدیریت‌ها در کشور ما به عهده مردم است و آنها هستند که انتخاب کننده‌اند. طبیعتاً در این شرایط آگاهی و ضرورت شناخت دقیقی برای مردم به وجود می‌آید.

آیا ما در شرایط روی کار آمدن دولت جوان با آسیب‌هایی مانند جوانگرایی وراثتی هم مواجه خواهیم شد؟ جوانگرایی خویشاوندی و وراثتی تابع افرادی است که فرصت‌ها را منجر به قدرت می‌کنند، بالاخره در این شرایط ممکن است گفتمان‌های جعلی توسط جوانانی که نمایندگان جریان‌های قدرت و ثروت هستند، همان کسانی که زمانی خودشان در رأس بوده‌اند و حالا زمینه را برای حضور مستقیم خود نمی‌بینند ایجاد شود؛ تا توسط قشر جوان با همان رویکرد و تفکر بار دیگر در صحنه حاضر گردند. جوانگرایی خویشاوندی و وراثتی تابع افرادی است که فرصت‌ها را منجر به قدرت می‌کنند.

سابقه انقلابی بودن و تعهد باید در این افراد لحاظ شود و هم جریان‌های انقلابی و جوان باید رسالت خود را در این جریان بشناسند. این عرصه، عرصه بسیار حساسی است و نوسازی بدنه مدیریتی و اجرایی کشور در اولویت قرار دارد به همین خاطر اگر جوان شناخت درستی از این عرصه ارائه نکند ممکن است یک جریان جعلی یا وابسته به جریان‌های قبلی جای آن را بگیرد. ممکن است گفتمان‌های جعلی توسط

جوانانی که نمایندگان جریان‌های قدرت و ثروت هستند، همان کسانی که زمانی خودشان در رأس بوده‌اند و حالا زمینه را برای حضور مستقیم خود نمی‌بینند ایجاد شود؛ تا توسط قشر جوان با همان رویکرد و تفکر بار دیگر در صحنه حاضر گردند. جوانگرایی خویشاوندی و وراثتی تابع افرادی است که فرصت‌ها را منجر به قدرت می‌کنند.

انتظاری که از انقلاب اسلامی در کشور و نظام اسلامی باید باشد، ایجاد یک جامعه کامل و بهره‌مند در فضاهای مادی و معنوی است که ضمن رسیدن به اهداف درونی جامعه، هم توان الگوبخشی به جوامع دیگر را دارد و هم توان حمایت. قانون اساسی جمهوری اسلامی موضوع حمایت از مستضعفان را به‌عنوان یکی از رسالت‌های مهم انقلاب معرفی می‌کند. نظامی که از این استحکام درونی برخوردار است مبتنی بر بهره‌مندی از مواهب مادی، رفع تمام مظاهر ناکامی‌ها و محرومیت‌ها درون خود است.

مجموعه‌ای که بتواند جامعه را به این اهداف برساند ضرورتاً مجموعه بانشاط، پرتحرک، خستگی‌ناپذیر و غیرمقید به ساعات اداری و وظیفه‌کارمندی است و بیش از اینها اندیشه می‌کند، در این خصوص رهبر انقلاب تعبیری دارند که می‌گویند: "ده برابر نسبت به کاری که قبل از انقلاب می‌شده کار شده است و ۱۰۰ برابر می‌شد کار انجام داد که نشده است."، یعنی ظرفیت‌ها و نیازهای موجود آن قدر بالاست که توان و تلاش مضاعف می‌طلبد و این اتفاق از یک جریان غیرجوان بر نمی‌آید.

رهبری و اعتماد به جوانان

رهبری معظم انقلاب اسلامی را می‌توان یکی از منادیان شعار جوانگرایی در مدیریت کشور دانست. معظم له در این عرصه پیشگام بوده و این رویکرد را می‌توان در انتصابات سال‌های اخیر ایشان نیز مشاهده نمود.

حضرت امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «تجربه‌ی من این است که اگر ما به جوان اعتماد کنیم - آن جوانی که شایسته دانستیم به او مسؤولیت بدهیم و صلاحیتش را داشت؛ نه هر جوانی و هر مسؤولیتی - از غیر جوان، هم بهتر و مسؤولانه‌تر کار را انجام می‌دهد؛ هم سریعتر پیش می‌برد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی روند پیشرفت در کار حفظ می‌شود. برخلاف غیر جوان که ممکن است کار را بالفعل خوب انجام دهد، اما روند پیشرفت در آن متوقف خواهد شد. غالباً این‌گونه است.»

معظم له یادآوری می‌فرمایند: «آن زمان که ما در شورای انقلاب بودیم، نسبت به همین موضوع، به ما و دوستان دیگری که در آن شورا بودیم، اعتراض می‌شد. افراد مسنی - عمدتاً شصت ساله، هفتاد ساله، هفتادوپنج ساله - هم در آن شورا بودند، که خیلی عقیده به جوانان نداشتند و می‌گفتند چرا شما به

جوانان رو می‌دهید و اینها را بی خود وارد کارهای عمده می‌کنید؟! اینها دوست نمی‌داشتند که به جوانان خیلی میدان داده شود. البته دوست می‌داشتند که جوانان از آنها اطاعت کنند و دنبالشان راه بروند! می‌گفتند آنها جوانند، ما پیریم؛ باید دنبال ما بیایند. خیلی حاضر نبودند به جوانان اعتماد کنند؛ ولی ما اعتماد می‌کردیم و جواب آنها را هم در واقع با تجربه‌ی عملی‌ای که می‌دیدند خوب کار انجام می‌گیرد و پیشرفت می‌کند، می‌دادیم و داده می‌شد. (۷۷/۲/۷)

رهبری سیره حضرت امام (ره) را گوشزد می‌کنند و می‌فرمایند: «امام به جوانان اعتماد و اعتقاد داشتند. لذا مثلاً فرماندهان اولیه سپاه پاسداران - که هسته اولیه سپاه را اینها گذاشتند - این مجموعه عظیم را تشکیل دادند و سپاه در جنگ آن همه نقش آفرید. وقتی اینها به امام معرفی شدند و امام اینها را شناختند، به هیچ وجه نگفتند که شما جوانید، چطور می‌خواهید این کار را بکنید؛ نخیر، بلکه استقبال هم کردند. یا مثلاً در کابینه شهید رجایی، یک عده جوانان خیلی خوب بودند. اولین کابینه‌ای که جوانان را به معنای واقعی کلمه وارد مسؤولیت کرد، کابینه شهید رجایی بود.» (۷۷/۱۱/۱۳)

معظم له یادآور می‌شوند که «امام با تشکیل بسیج سرنوشت انقلاب را سپرد به جوانها؛ و هر مجموعه‌ی جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا می‌گذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل می‌دهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام نشدنی است.» (۹۵/۹/۳)

لذا امروز که سخن از تغییرات در کابینه دولت با هدف چابک‌سازی و کارآمدسازی متناسب با شرایط حساس کشور و بالاخص قرار گرفتن در جنگ اقتصادی مطرح است، بنظر می‌رسد رویکرد جوانگرایی و توجه به سیره حضرت امام (ره) و رهنمودهای رهبری می‌تواند راهکاری عملی برای دولتمردان در جهت حل مشکلات باشد.

جوانان؛ پیشران‌های انقلاب

انقلاب اسلامی تا تحقق و رسیدن به آرمانهای خود هنوز فاصله بسیاری دارد که باید طی نماید. لذا تلاش برای پیشرانی و اراده‌های بلند برای عبور از موانع و مشکلات، ضرورتی تاریخی پیش روی انقلابیون است. در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی این جوانان هستند که در جایگاه پیشرانی انقلاب اسلامی باید نقش آفرین باشند. انقلاب اسلامی که در فرآیند پنج مرحله‌ای خود اینک در مرحله سوم تحقق دولت اسلامی قرار دارد، در این مرحله نیز به مدیران جوانی نیازمند است که بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل نمایند. به واقع جوانان همانطور که در خیزش اسلامی ملت ایران علیه رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی نقش آفرین بودند، امروز نیز پیشگام و پیش‌ران حرکت انقلاب در شکل دادن به دولت

اسلامی به حساب می‌آیند. از نگاه رهبری «مجموع آحاد ملت و کشور مأموریت دارند انقلابشان را حفظ کنند؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ اما جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است.» (۹۵/۹/۳) در نگاه ایشان حتی «اندیشه‌ی پیران و فکر و تجربه‌ی آنها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانه‌ی جوانان وجود داشته باشد؛ پیش‌ران حرکت انقلاب، جوانها هستند.» (۹۵/۹/۳)

از نگاه معظم له طی این مسیر بدون محوریت جوانان ممکن نخواهد بود. لذا تاکید دارند: «از اینجایی که انقلاب شروع کرد، تا آنجایی که باید ملت ایران برسد، راه طولانی است. این راه طولانی پراز چالشهای گوناگون است؛ همت می‌خواهد، نیرو می‌خواهد، نشاط می‌خواهد، ابتکار می‌خواهد، تراکم عظیم نیروها را می‌طلبد. اینها باید به وسیله‌ی جوانها، روحیه‌ی جوان، نشاط جوانی تأمین شود.» (۸۶/۲/۱۹)

رهبرانقلاب در این راستا می‌فرمایند: «عقیده من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرك، و همچنین جسارت، یعنی خط شکنیها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوانها در زمینه دسترسی به آرمانها و تحقق آرمان‌های انقلاب و آرمان‌های اسلامی، دارای مسئولیتهای بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالائی هم دارند. هر کسی که در پی تحقق آرمانها است، باید نقش جوانها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوانها را جدی می‌گیرم. آنچه که من در مورد جوانها، چه جوان دانشجو - البته بخصوص جوان دانشجو - و چه غیر دانشجویان، بارها بر زبان آوردم، تعارف زبانی نیست؛ اعتقاد من این است و معتقدم که جوانها می‌توانند گره‌گشائی کنند.» (۹۲/۵/۶)

بکارگیری جوانان برای حل مشکلات کشور

برای حل مشکلات و معضلات کشور راه‌های مختلف ارائه گردیده و نسخه‌های متنوعی پیچیده شده است. از یک منظر نظریات مطرح در این باب را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول دیدگاهی است که وابستگی به بیگانه و بهره‌برداری از توان قدرتهای بزرگ را راهکاری برای حل مشکلات کشور می‌دانند و اعتماد به الگوی توسعه غربی را پیشنهاد می‌دهند. دیدگاهی دیگر بر اتکا به خود و توان و استعدادهای داخلی تکیه دارد و با محور قرار دادن دکترین "ما می‌توانیم" نسخه‌های بومی را برای درمان دردها چاره ساز می‌بیند. دال مرکزی چنین نگاهی، اعتماد به جوانان کشور و امید به نیروی جوانی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بررسی این دو ایده چنین می‌گویند: «سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمی‌کند، بلکه افزایش خواهد داد؛ مشکلات سیاسی‌ای اگر داشته باشیم، مشکل اقتصادی اگر داشته باشیم؛ مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم؛ مشکلات ما را شما جوانها باید حل کنید.»

این نگاه به جوانان که برآمده از اعتماد کامل ایشان به توانایی آنان است، امروز باید به گفتمان فراگیری نزد مسئولین کشور نیز بدل گردد و آثار خود را در دستگاه‌های مختلف نشان دهد، که یکی از نشانه‌های جوانگرایی در نیروی انسانی و سپردن مسئولیت‌های بیشتری به جوانان است. نسلی که با خلاقیت و پویایی و ابتکار و پشتکار می‌تواند بخش عمده‌ای از گره‌های ایجاد شده در بوروکراسی تنبل سازمان‌های مختلف را حل نماید.

موفقیت جوانان در عرصه‌های مختلف

ایده سپردن امور اجرایی کشور به جوانان ایده‌ای خام و آزموده نشده نیست، بلکه جوانان با حضور در عرصه‌های مختلف، توانایی و کارآمدی خود را به اثبات رسانده و کارنامه درخشانی برای خود در طول چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی رقم زده اند. از نگاه رهبری «هر چه زمان به پیش می‌رود، امید ملت ایران به نسل جوان درس خوانده و بالنده‌اش بیشتر می‌شود. جوانان این ملت در همه‌ی میدان‌ها توانسته‌اند برتری‌ها و درخشندگی‌های خود را به اثبات برسانند.» (۸۷/۱۱/۲۷)

معظم‌له یادآوری می‌فرمایند: «اگر صحبت کارهای فناوری پیچیده است، همین جوانها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوانهای ما دارند سر پا می‌کنند؛ در سلولهای بنیادی هم جوانهای ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو، و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوانهایند؛ جوانهایی که نه دوران جنگ را دیدند، نه امام را ملاقات کردند، نه از اول انقلاب خاطره‌ای دارند. پس این حرکت، حرکت پوینده و بالنده است. به میدان عمل و خدمت و تلاش که می‌رسیم، همین حرکت عظیم بسیج سازندگی را می‌بینیم؛ به میدان سیاست و اعلام حضور که می‌رسیم، حرکت ۹ دی را می‌بینیم، حرکت ۲۲ می‌بینیم، حضور عظیم در انتخابات را می‌بینیم؛ اینها معنای چیست؟ معنای این است که امروز جوانان ما - که اکثریت قاطع ملت ما هستند - و عموم ملت ما در همان جهت حرکت انقلاب اسلامی و با همان ضرب دست انقلاب، رو به فزاینده‌ی هستند، دارند پیش می‌روند. (بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۸۹/۶/۳۱)

رهبری معظم انقلاب تلاش دارند تا نمونه‌های فراوانی از کارهای بزرگی که توسط جوانان انجام شده را به مسئولین کشور گوشزد کنند و حاصل فرآیند اعتماد به جوانان را برای ملت نیز رونمایی نمایند. لذا در کلام ایشان مثال‌های متعددی از این موفقیت‌ها بارها آورده شده است. نمونه بارز این موفقیت میدان تولید علم و فناوری است که معظم‌له تأکید دارند: «هر جا که ما بر ابتکار و استعداد جوانان با انگیزه، مومن و مخلص تکیه کردیم و آن‌ها را ارج نهادیم، چشمه‌های جوشان پیشرفت پدیدار شد که

پیشرفت‌های هسته‌ای، دارویی، سلول‌های بنیادی، نانوتکنولوژی و برنامه‌های صنعتی دفاعی نمونه‌های عینی این واقعیت هستند» (۹۳/۲/۲۳)

ملاحظات جوانگرایی در مدیریت کشور

تصویب قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان و اجرایی کردن آن باید با ملاحظات همراه باشد:

۱. متأسفانه فضای سیاسی کشور به نحوی شکل گرفته که هر سوژه‌ای ظرفیت تبدیل شدن به اختلاف و دوقطبی شدن را دارد. بالاخص آنکه این دوگانگی بر رقابت‌های سیاسی - جناحی نیز تطبیق یابد! آنگاه باید منتظر باشیم که کار ابرمانده و فرصت‌های زیادی در کشور به هدر رود! حال که موضوع جوانگرایی در مدیریت به قانونی اجرایی بدل شده است، این مقوله نباید به قطبی‌سازی موافقین و مخالفین بینجامد و چالشی جدید در جامعه بوجود آورد. اختلاف نظرات باید با زبان گفتگو دنبال شود و در نهایت آنچه در قانون مدون گردید، شاخص عمل قرار گیرد.

۲. استفاده از تجربه مدیران گذشته، ملاحظه جدی دیگری است که در این فرآیند باید برای آن تدبیری اندیشید. این تجربه به مثابه سرمایه ارزشمندی است که محصول سالیان سال عقلانیت و تجربه و علم آموزی است که باید در خدمت مدیریت کشور قرار گیرد. در هیچ جای دنیا چنین گنجینه ارزشمندی را به سادگی به هدر نمی‌دهند. برای این کار باید اتاق‌های فکر و تیم‌های مشاوره‌ای منسجم و مستمر تشکیل داد و از تجربیات مدیران گذشته استفاده نمود و آن را در خدمت مدیران جوان قرار داد. به واقع جوانان باید پای بر عمارت ساخته شده گذشتگان بگذارند و مسیر را تا رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه کشور ادامه دهند.

۳. طراحی مکانیزمی برای چرخش نسلی و تربیت مدیران جوان ضروری است. به واقع باید فرآیندی مدت دار و نهادینه شده را طراحی نمود که هر مدیری قبل از رسیدن به پایان مدت اشغال و خط بازنشستگی، در کنار خود مدیران جوان کارآموده و آماده به کاری را تحویل سیستم مدیریتی کشور دهد تا با خیال راحت بتوان جایگزینی را برای وی انتخاب نمود. فراموش نباید کرد که در آستانه دهه پنجم انقلاب اسلامی پذیرش مدیریت‌های اجرایی کشور، جایگاهی برای کسب تجربه از طریق آزمون و خطا نیست و انتظار می‌رود که مدیریت‌ها با کمترین خطا همراه باشد. لازمه این کار تصویب قوانینی اداره معطوف به تحقق این مه، و پیگیری جدی و عملیاتی کردن آن در سازمان‌های مختلف است. اگر این اتفاق بیفتد، بدون شک بخش مهمی از مشکلات ناشی از تغییر مدیریتی کشور حل گردیده و با گسست مدیریتی در کشور مواجه نخواهیم بود.

۴. بازنشستی مدیران قدیمی و سپردن امور به جوانان باید با فرآیندی شایسته‌سالارانه همراه باشد و گزینه‌های مدیریت از فرآیندی پاک و مبتنی بر شایسته‌سالاری بیرون آیند. واقعیت آن است که کسب قدرت و در اختیار داشتن مناصب کلیدی، موقعیت حساسی است که بسیاری برای دستیابی به آن چشم طمع دارند و حاضرند برای دستیابی به آن هر اقدامی کرده و خطوط قرمز فراوانی را زیر پا بگذارند.

جمع‌بندی

تجربیات تلخ سال‌های اخیر حکایت از آن دارد که حضور انگشت شمار جوانان در مناصب مدیریتی و تصمیم‌سازی کشور، اغلب تحت نفوذ روابط ژنتیکی دو جریان سیاسی غالب و آفازاده محوری بوده است. این روند فسادانگیز می‌تواند آینده فرآیند جوانگرایی در مدیریت کشور را تهدید کرده و به انحراف بکشاند و به وضعیتی ضد آنچه انتظار می‌رفت تبدیل کند! برای مقابله با این خطر از همینک باید چاره‌اندیشی نمود و کاری کرد تا روند دستیابی به مدیریت در کشور مبتنی بر شایسته‌سالاری رقم بخورد و مسیر برای سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت فراهم آید.

شرایط کنونی و پیچیده کشور خصوصاً در حوزه عدالت ایجاب می‌کند تا نخبگان پایبند به نظام جمهوری اسلامی ایران، ضمن تعریف و گفتمان‌سازی از دولت جوان حزب‌اللهی، تمامی توان فردی و جمعی خود را جهت مردمی‌سازی و اقناع افکار عمومی نسبت به مفهوم دولت انقلابی به کار گیرند و از سیاست‌زدگی و تعریف مصداق دوری نمایند.

مراجع

- ۱- خبرگزاری تسنیم- کد خبر: ۵۰۰۳ | تاریخ انتشار: سه شنبه، ۱۵ مرداد سال ۱۳۹۸
- ۲- دکتر رحمتی الزامات تحقق دستورالعمل گام دوم انقلاب اسلامی؛ از جوانگرایی تا مدیریت جهادی
- ۳- علی یاسمی، درآمدی بر الزامات شکل‌گیری دولت جوان حزب‌اللهی / قسمت دوم
- ۴- بررسی روند تغییر سنی اعضای دولت
- ۵- جوان‌گرایی و چرخش قدرت، پایگاه بصیرت / گروه سیاسی / وحید شفیعی
- ۶- پژوهشکده راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام / درآمدی بر الزامات شکل‌گیری دولت جوان حزب‌اللهی، قسمت اول: آگاهی بخشی سیاسی؛ مقدمه روی کار آمدن دولت مکتبی